

نواك جو ڪوويچ

نويسنده: دامنيڪ بليس

مترجم: ميلاد قاسم آبادي



سرشناسه	:	بلیس، دامینیک/Bliss, Dominic
عنوان و نام پدیدآور	:	نواک جکویچ / نویسنده دومینیک بلیس؛ مترجم میلاد قاسم‌آبادی
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات ۳۶۰ [سپید و شصت] درجه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-622-5558-55-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Novak Djokovic
یادداشت	:	دیوگرویچ، نواک، ۱۹۸۷ - م
موضوع	:	تنیس بازان -- صربستان -- سرگذشتنامه Tennis players -- Serbia -- Biography
رده بندی کنگره	:	۹۹۴GV
رده بندی دیویی	:	۷۹۶/۳۴۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۸۸۴۰۵۱

تتنا سنامه کتاب



@360pub



360pub



www.360pub.ir



تهران ۵۸۷-۱۳۱۴۵



۰۲۱-۶۶۹۸۹۵۰۳

نواک جکویچ
ناشر: ۳۶۰ درجه
نویسنده: دامینیک بلیس
مترجم: میلاد قاسم‌آبادی
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
تیراژ: ۵۰۰ جلد
چاپ و صحافی: گام اول

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات محفوظ است.

تقلید، تکثیر، انتشار و ذخیره‌سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است

پیشگفتار

در سالیان آتی، ورزش دوستان به اوایل قرن بیست و یکم به عنوان عصر طلایی تنیس مردان نگاه خواهند کرد؛ که در آن، سه قهرمان ((راجر فدرر، رافائل نادال و نواک جوکوویچ)) ما را با موفقیت‌های خود در زمین شگفت‌زده می‌کنند. از بین این سه نفر، این نواک است که بیش از همه می‌درخشد. او فدرر و نادال را تحت‌الشعاع قرار داده است و در زمان نگارش این کتاب، وی رکورد ۲۴ قهرمانی گرند اسلم انفرادی را در شکسته است.

اکنون که فدرر بازنشسته شده است و نادال اعلام کرده است که سال ۲۰۲۴ آخرین فصل او خواهد بود، به نظر می‌رسد سلطه نواک تضمین شده باشد. او نه تنها در تعداد قهرمانی گرند اسلم، بلکه در دو معیار دیگر که معمولاً برای سنجش برتری استفاده می‌شود، پیشرو است. ۱- تعداد مقام قهرمانی در مسابقات و ۲- تعداد هفته‌ها به عنوان مرد شماره یک جهان. علاوه بر این، آمادگی بدنی این بازیکن صربستانی نشان می‌دهد که او جادوی بیشتری برای ما به ارمغان خواهد داشت.

در گذشته، سوء تفاهات و برداشت‌های رسانه‌ای (به ویژه در مورد وضعیت واکسیناسیون کووید وی) تا حدودی شهرت او را خدشه‌دار کرده است. با این حال، اگر او به پیروزی در بالاترین سطح ادامه دهد، بخشی از آن حواشی از بین خواهد رفت. چون در هر صورت، او فردیست متواضع، که مشتاق جلب رضایت طرفداران خود و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مختلف در خیریه‌اش می‌باشد.

در این کتاب، ما تمام ویژگی‌های انسانی و شخصی این بازیکن را بررسی می‌کنیم:

۱. دوران کودکی او در شهر جنگ‌زده بلگراد

۲. جایگاه وی در فرهنگ صربستان ۳. حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های

بی‌شمارش

ما سبک بازی او، رژیم ورزشی، رژیم غذایی نامتعارف و استفاده وی از داروهای غیرمعمول را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. ما به رابطه اش با همسرش، فرزندانش، پدر جنجالی‌اش، مربیان متعددش، و تلاش بی‌پایان او برای قهرمانی‌های بیشتر در گرند اسلم می‌پردازیم.

در میان این جنبه‌های شخصی و حرفه‌ای زندگی نواک، ده مورد از مهم‌ترین بازی‌های حرفه‌ای او قرار دارد. با شروع از اولین قهرمانی او در مسابقات پایانی تور تنیس مردان (ATP) در سال ۲۰۰۶ و با مرور باشکوه‌ترین عملکردهای او در گرند اسلم‌ها و جام دیویس، ما نقاط عطف مهم در مسیر او، برای تبدیل شدن به قهرمانی جهانی که امروزه همه آن را تحسین می‌کنند را ارائه می‌کنیم.

در ضمن، این کتاب پر از مهم‌ترین آمار دوران حرفه‌ای او در زمین بازی می‌باشد. ورزش اغلب یک همبستگی غیرمعمول شخصیت انسانی و آمار ریاضی است. اگر واقعاً می‌خواهیم با این بازیکن صربی درخشان و گاه مرموز آشنا شویم، باید هر دو را بسنجیم.



نواک با جام بیست و چهارمین قهرمانی گرند اسلم در مسابقات آزاد ۲۰۲۳ آمریکا



امضاء برای هواداران در مسابقات آزاد ۲۰۱۴ آمریکا

نواک جوکوویچ:

«من همیشه با هر شکل، فرم و نقشی در تنیس خواهم ماند. احساس می‌کنم عشق من به تنیس هرگز از بین نمی‌رود».

فصل اول

نوله جوان

می‌گویند که صاعقه هرگز دو بار به یک مکان برخورد نمی‌کند. این ایده حداقل در مورد نواک جوکوویچ^۱ که در سال ۱۹۹۹ و در دوران کودکی در شهر بلگراد^۲ مورد حملات پیاپی بمباران ناتو^۳ قرار گرفت، نادرست بود. نواک و خانواده‌اش به مدت ۷۸ روز متوالی، شب‌ها به پناهگاهی که در زیر ساختمان آپارتمان عمه‌اش بود، پناه می‌بردند. در این مدت، زمانی که در طول روز بمباران کاهش می‌یافت، او به زمین تنیس می‌رفت تا با مربی‌اش یلنا گنچیچ^۴ تمرین کند.

^۱ Novak Djokovic

^۲ Belgrade

^۳ NATO

^۴ Jelena Genčić



روی ساختمان آپارتمانی که پدر بزرگ نواک - ولاد ۱ - در آن زندگی می‌کرد، نقاشی دیواری وجود دارد که مربی نواک یلنا گنچیچ، نواک و پدر بزرگش را به تصویر می‌کشد.

او و گنچیچ عمداً مکان‌های حملات اخیر را انتخاب می‌کردند و معتقد بودند که از آنجایی که ناتو یک روز قبل این مکان را مورد هدف قرار داده بود، بعید است که روز بعد دوباره آن را بمباران کنند. به ناچار، آنها مجبور شدند در زمین‌هایی با بتن ترک خورده و اغلب بدون تور تمرین کنند. در زمان جنگ، این یک سرگرمی خطرناک بود. اما نواک و مربی‌اش آنقدر پایبند تنیس بودند که هر دو مایل بودند این ریسک را بکنند. یلنا حتی پس از کشته شدن خواهرش در اثر ریزش آوار به مربیگری ادامه داد.

گاهی اوقات شاگرد و مربی جرأت می‌کردند که در باشگاه تنیس محلی خود - پارتیزان ۲ - تمرین کنند. این باشگاه خیلی خطرناک بود، زیرا نزدیک یکی از مدارس نظامی شهر بود و بنابراین درست در وسط یک منطقه احتمالی قرار داشت. با وجود این تهدید، نواک می‌گوید که در باشگاه تنیس خود به طرز عجیبی احساس امنیت می‌کرد و اغلب، ساعت‌ها تمرین می‌کرد. او حتی در مسابقات کودکان که در روزهای آرام‌تر حملات بمباران برگزار می‌شد، شرکت کرد.

^۱ Vlada

^۲ Partizan

آسیب‌های دوران کودکی شخصیت یک فرد را مشخص می‌کند و جنبه‌هایی از شخصیت را به خوبی در ادامه زندگی شکل می‌دهد. ضربه روحی نواک در کودکی، بمباران شهر زادگاهش توسط ناتو در سال ۱۹۹۹ بود و او فقط ۱۱ سال داشت. در تمام آن دهه، تنش‌های قومی به جنگ‌ها و قیام‌های شروانه در سراسر یوگسلاوی^۱ سابق دامن زده بود. در سال ۱۹۹۸، این خصومت‌ها به کوزوو^۲ که استانی در جنوب یوگسلاوی هم مرز با آلبانی^۳ است، کشیده شد. ناتو در تلاش برای پایان دادن به جنایاتی که توسط سربازان تحت فرماندهی اسلوبودان میلوشویچ^۴ علیه اقلیت‌های آلبانیایی انجام می‌شد، اقدام به بمباران هوایی بی‌وقفه‌ای کرد که بین ماه مارس و ژوئن ۱۹۹۹ به مدت دو ماه و نیم ادامه یافت. متأسفانه بلگراد بار عمده این حملات هوایی را متحمل شد. نواک و خانواده‌اش از جمله صرب‌های بی‌شماری بودند که از این حملات رنج می‌بردند.

نواک در سال ۲۰۱۳، در کتاب زندگی‌نامه خود "سرویس برای پیروزی ۵"، خاطرات آن سال‌ها را یادآوری می‌کند.

- پسری مثل من که در صربستان بزرگ شده و قهرمان تنیس شود؟ حتی در بهترین شرایط هم بعید بود.

او می‌نویسد: «و زمانی که بمباران‌ها شروع شد، بعیدتر هم شد».

شب وحشتناک اولین حمله هوایی به بلگراد، همیشه در یاد او باقی ماند. غروب ۲۴ ماه مارس بود و نواک در حال خوابیدن در آپارتمان خانوادگی، در بخش مسکونی بلگراد

^۱ Yugoslavia

^۲ Kosovo

^۳ Albania

^۴ Slobodan Milošević

^۵ Serve to Win

به نام بانجیکا^۱، در فاصله کوتاهی از مرکز شهر بود. او ناگهان با یک انفجار مهیب، شکستن شیشه و آذیرهای حمله هوایی از خواب بیدار شد. او به خاطر می‌آورد: «انگار در داخل یک گوی یخی زندگی می‌کردیم و کسی آن را روی زمین هل می‌داد».

مادرش دیجانا^۲ پس از سُر خوردن و برخورد سرش به رادیاتور موقتاً از هوش رفت. در حالی که پدرش سرجان^۳ سعی می‌کرد او را به هوش بیاورد، نواک به سرعت دو برادر کوچکترش، مارکو^۴ هشت ساله و جورجی^۵ چهار ساله را دور خود جمع کرد. نواک نواک و والدینش می‌دانستند وضعیت خطرناکیست. به محض اینکه مادرش به هوش آمد، هر پنج نفر از پله‌های آپارتمان خود پایین آمدند و به خیابان‌های تاریک بلگراد رفتند. آنها به پناهگاه بمباران نیاز داشتند و نزدیکترین پناهگاه در ۳۰۰ متری آپارتمانی که عمه نواک در آن زندگی می‌کرد، قرار داشت.

والدین و برادرانش به سرعت در خیابان می‌دویدند. نواک با این سرعت، به پشت سرش نگاه کرد. ناگهان او تلو تلو خورد و با صورت به زمین افتاد. با وجود بمباران در اطراف، فریاد او برای کمک شنیده نشد.

او می‌گوید: «من فریاد زدم: ماما! بابا!»

اما آنها نمی‌توانستند صدایم را بشنوند. من دیدم که سایه آنها کوچک‌تر و تیره‌تر شده و به طور ناگهانی ناپدید شد».

نواک که از جان خود می‌ترسید، صدای کرکننده‌ای را از پشت سرش شنید. وقتی سرش را چرخاند، سایه شوم یک بمب افکن رادارگریز F-117 را دید که بر روی سقف آپارتمان‌شان ظاهر شد. او در کتاب زندگی نامه خود می‌نویسد: «با وحشت دیدم که شکم

^۱ Banjica

^۲ Dijana

^۳ Srdjan

^۴ Marko

^۵ Djordje

فلزی بزرگش درست بالای سرم باز شد و دو موشک هدایت شونده لیزری از آن خارج شده و خانواده، دوستان و محله‌ام را هدف گرفت. اتفاقی که بعد از آن افتاد، هرگز مرا رها نمی‌کند. حتی امروز، با صداهای بلند، احساس ترس و وحشت به من دست می‌دهد. این موشک‌ها به ساختمان بیمارستان مجاور برخورد کرده و بلافاصله آن را آتش زد. «بوی گرد و غبار و فلز در هوا را به خاطر می‌آورم، و اینکه چگونه به نظر می‌رسید که کل شهر مانند یک نارنگی رسیده می‌درخشید». نواک در حالی که از زمین بلند شد، پدر و مادرش را از دور دید و به سمت آنها دوید. آنها همه با هم به همراه ۲۰ خانواده دیگر در پناهگاه بمباران زیر آپارتمان عمه جمع شدند.

– کل شب را داشتم می‌لرزیدم.



خانواده جوکوویچ (از چپ به راست): دینا، سرجان، جورجی و مارکو در مسابقات تنیس مسترز

رولکس مونت کارلو، سال ۲۰۰۹



بسیاری از صرب‌ها، یاد گرفتند که در طول بمباران به زندگی عادی ادامه دهند. این بچه‌ها یک زمین بازی جدید در یک تانک خراب شده ارتش صربستان پیدا کردند.

اخیراً، در یک مصاحبه ویدیویی، نواک به خاطرات ماندگار خود از آن شب پرداخت. او در سال ۲۰۲۱، در یک مصاحبه پادکستی به نام «مصاحبه مفصل با گراهام بنسینگر»^۱ گفت: «این یکی از آسیب‌زاترین تجربیات و تصاویری بود که در دوران کودکی‌ام داشتم که تا امروز آن را تحمل می‌کنم. خانواده ما خوش‌شانس بود که کسی را از دست ندادیم. بسیاری از مردم افراد بسیار نزدیک خود را از دست دادند، و آن سطح متفاوتی از رنج و سطح متفاوتی از ضربه روحی است. نمی‌توانم دردی را که باید برای پشت سر گذاشتن آن درد تحمل کنم، تصور کنم».

در بیشتر آن شب‌های ترسناک در بهار ۱۹۹۹، نواک و خانواده‌اش در آن پناهگاه بمباران پنهان شدند. هنگام غروب و حوالی ساعت ۲۰، هنگامی که آژیر خطر حملات قریب‌الوقوع به صدا در می‌آمد، با عجله به پایین جاده می‌رفتند و به خانواده‌های هراسان می‌پیوستند. نواک می‌گوید که چگونه سعی می‌کردند که بخوابند، اما انفجارهای مداوم آنها را بیدار می‌کرد. او احساس وحشت و درماندگی خود را اینچنین توصیف می‌کند:

^۱ Graham Bensinger

«هیچ کاری نمی‌توانستیم بکنیم جز اینکه بنشینیم و منتظر باشیم و امیدوار باشیم و دعا کنیم. این یک تجربه وحشتناک برای همه بود. به خصوص برای کودکان. ما متوجه نشدیم که چه اتفاقی افتاد؟ چرا هواپیماها بر فراز شهر ما پرواز کرده و آن را بمباران می‌کنند؟ مسئول این کار کیست؟».



بقایای ساختمان دفاعی دولت سابق در بلغراد که در اثر بمباران ناتو ویران شد.

نواک می‌گوید که پس از مدتی، او و خانواده‌اش نسبت به این خطر تا حدودی صبور و بی‌تفاوت شدند. این رفتاری بود که او در بسیاری از هموطنان صرب خود مشاهده می‌کرد. او به خاطر می‌آورد که با این همه مرگ و ویرانی در اطرافشان، در نهایت وجودشان از ترس خالی شد. «زمانی که متوجه شوید که واقعاً ناتوان هستید، احساس آزادی خاصی بر شما حاکم می‌شود. اتفاقی که خواهد افتاد، رخ خواهد داد و هیچ کاری نمی‌توانید برای تغییر آن انجام دهید».

با ادامه بمباران، این بی‌تفاوتی افزایش یافت. در ۲۲ ماه می، نواک تولد ۱۲ سالگی خود را با دوستانش در باشگاه تنیس پارتیزان جشن گرفت. او به یاد می‌آورد که چگونه،

درست زمانی که همه به افتخار او «تولد مبارک» را می‌خواندند، ناگهان یک بمب‌افکن ناتو در بالای سرش قرار گرفت. همه آنها آنقدر به این صدا عادت کرده بودند که به صدای پس‌زمینه تبدیل شده بود. با این حال، سال‌ها بعد، بدیهی است که جهان بینی نواک عمیقاً تحت تأثیر تجربه او در سال ۱۹۹۹ قرار گرفته باشد. در جریان مسابقات آزاد آمریکا در سال ۲۰۱۳ از او پرسیده شد که نظرش در مورد حمایت دولت آمریکا از حملات هوایی به سوریه که گمان می‌رود دولت آن از سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان خود استفاده کرده است، چیست؟ او گفت: «جنگ، بدترین چیز در زندگی بشریت است. هیچ کس واقعاً برنده نمی‌شود. من کاملاً با هر نوع سلاح، هر نوع حمله هوایی و حمله موشکی مخالفم. من کاملاً با هر چیزی که مخرب باشد مخالفم. از آنجایی که من این تجربه شخصی را داشتم، می‌دانم که جنگ برای هیچ کسی خوب نیست».

نواک یک صلح‌طلب متعهد است و با توجه به سال‌های پر فراز و نشیب او، این امر چندان هم تعجب‌آور نیست. او اکنون از یک "فلسفه زندگی" جدید صحبت می‌کند. در اصل، او خشم و بی‌عدالتی عمیقی را احساس می‌کرد که همگی با خاطرات آن بمباران بی‌وقفه ناتو برانگیخته شده بود. او ادعا می‌کند که از این عصبانیت برای تقویت موفقیت خود در زمین تنیس استفاده کرده است، اما پس از سال‌ها، متوجه شد که همان عصبانیت مانع از ادامه زندگی او می‌شود. او در مصاحبه خود با گراهام بنسینگر گفت: «واقعاً دیگر این احساس را ندارم. من آنچه را که اتفاق افتاد فراموش نمی‌کنم، اما در عین حال فکر نمی‌کنم برای کسی خوب باشد که اسیر احساسات نفرت، خشم خود باشد».

او می‌گوید که همه صرب‌ها از قتل عام و ویرانی بمباران‌های ناتو خشمگین بودند. اما او به این باور رسیده است که او و هموطنانش باید متجاوزان را ببخشند. او گفت: «چگونه می‌توانی چیزی بیشتر از عشق را برای ادامه زندگی بخواهی؟ عشق بخشش است. این فلسفه زندگی من است و هر چقدر هم که سخت باشد، در آخر، می‌توانی و

باید ببخشی. تو باید ادامه دهی. اگر اسیر آن احساس [خشم] شوی، از زندگی خود چه چیزی خواهی ساخت؟ آن خشم همیشه مانع پیشرفت تو شده و تو را تحت فشار قرار می‌دهد، نه فقط از لحاظ شغلی، بلکه از نظر مسائل خصوصی و احساسی».

او معتقد است که رنج‌ها و محرومیت‌هایی که او و هموطنان صرب‌اش تجربه کرده‌اند، در نهایت همه آنها را قوی‌تر و مقاوم‌تر کرده است. قدرت و انعطاف‌پذیری خود او تا به امروز در زمین تنیس به نمایش گذاشته شده است.

نواک در ۲۲ ماه می ۱۹۸۷ در بلغراد به دنیا آمد. در آن زمان، پدر و مادرش، سرجان و دینا، رستورانی را در شهر اداره می‌کردند. دو سال بعد، پدر و عموی نواک - گوران^۱ - با هم همکاری رستوران دومی - یک پیتزا فروشی به نام ردبول^۲ - را در یک استراحتگاه کوهستانی در جنوب کشور به نام کوپائونیک^۳ افتتاح کردند. در آنجا، آنها یک مغازه تجهیزات ورزشی نیز داشتند. پدر و مادر نواک وقت خود را بین کوپائونیک و بلغراد تقسیم می‌کردند، در فصول اسکی در زمستان و کوهنوردی در تابستان در کوهستان زندگی می‌کردند و سپس در بهار و پاییز به شهر باز می‌گشتند.

در طول تعطیلات مدرسه، نواک و دو برادرش در کوهستان می‌ماندند، اما در طول ترم برای تحصیل در بلغراد زندگی می‌کردند و در آپارتمان پدربزرگشان ولادا می‌ماندند. به گفته نواک، او تأثیر زیادی بر تربیت آنها داشت. اگرچه او در سال ۲۰۱۲ درگذشت، اما یک نقاشی دیواری از چهره او بر روی دیوار آپارتمانی که قبلاً در آن زندگی می‌کرد، در کنار تصویری از نواک و گنچیچ نقاشی شده است. خود نواک دوران کودکی خود - قبل از جنگ - را به عنوان "جادویی، به ویژه خوشبخت" توصیف می‌کند. به ویژه، یکی از نیکبختی‌ها زمانی بود که دولت تصمیم گرفت یک آکادمی تنیس در کوپائونیک، درست روبروی پیتزا فروشی بسازد.

^۱ Goran

^۲ Red Bull

^۳ Kopaonik

اگر این آکادمی ساخته نمی‌شد، آیا نواک جوان - یا نوله^۱، همانطور که خانواده‌اش او را صدا می‌زدند - این ورزش را آغاز می‌کرد؟ احتمالاً خیر. پدر و مادر او بازیکن تنیس نبودند. شکی نیست که آنها مهارت‌های ورزشی داشتند - پدرش یک اسکی باز و فوتبالیست ماهر بود و مادرش در دانشگاه در رشته ورزش تحصیل می‌کرد - اما نواک می‌گوید: «تصادفی نیست که در نهایت من ورزش را انتخاب کردم، اما کمی عجیب است که من شروع به بازی تنیس کردم». هیچ کدام از کسانی که او می‌شناخت، تنیس بازی نمی‌کردند و حتی در یک مسابقه تنیس حرفه‌ای شرکت نکرده بودند. علاوه بر این، در آن زمان، تنیس هنوز یک ورزش نسبتاً جزئی و کم اهمیت در صربستان بود.



نمایی وسیع از محله بانجیکا در بلگراد، جایی که خانواده جوکوویچ در آن زندگی می‌کردند.



پدر نواک - سرجان - از ابتدا از پسرش حمایت کرد و به موفقیت‌های زیاد او، از جمله این موفقیت در ویمبلدون ۱ در سال ۲۰۱۹ کمک کرد.

نواک جوکوویچ: «وقتی آنقدر جوان هستید، به همه چیز ایمان دارید. شما از طریق رویاهای خود از پس مشکلات بر می‌آیید و رویاهای شما واقعیت شما هستند. مثلاً، آن لحظه‌ای که به نوعی به شما الهام می‌شود و می‌دانید که یک روز این شما هستید که آن جام را در دست خواهید داشت».

نواک در کتاب زندگینامه خود اشاره می‌کند که داشتن این آکادمی تنیس تا این حد نزدیک به خانه‌اش چقدر اتفاق خوشایندی بوده است. او می‌نویسد: «مطمئناً نیرو و قدرت الهی در کار بود». او که هنوز یک بچه کوچک بود - فقط شش سال داشت - ساعت‌ها در کنار آن زمین آکادمی می‌ایستاد و از لابه‌لای حصار سیمی، تمرین جوانان دیگر را تماشا می‌کرد. او می‌گوید که "مبهوت" توپ‌هایی که از یک سوی تور به سوی دیگر می‌رفتند، شده بود.

کنجکاو و بدون جلب توجه نماند. یک روز سرمربی آکادمی به او نزدیک شد و از او خواست که روز بعد برگردد و او را ملاقات کند. این اولین ملاقات او با یلنا گنچیچ بود. آنچه بعد از آن اتفاق افتاد، شاید نشانه‌ای از ورزشکار بسیار منظم و حرفه‌ای بود که روزی به آن تبدیل می‌شد. روز بعد، نواک با یک کیف بزرگ وسایل تنیس وارد شد. داخل آن تمام لباس‌ها و تجهیزات بود که انتظار داشتید یک بازیکن بزرگسال به جلسه تمرینی بیاورد. داخل آن، یک راکت، یک حوله، یک پیراهن اضافی، مچ بند، بطری آب و توپ‌هایی که همگی به طور مرتب بسته‌بندی شده بودند، وجود داشت.

طبیعتاً، گنچیچ تصور می‌کرد که مادرش کیف او را آماده کرده است، اما ادعا می‌کرد که همه اینها ابتکار خود او بوده است. اواسط تابستان بود و او بازیکنان برتر جهان را در جریان رقابت در ویمبلدون از تلویزیون تماشا می‌کرد. درست مانند آنها، او می‌خواست تمام وسایل ضروری را که برای قهرمان شدن نیاز دارد، همراه خود داشته باشد. (بیشتر سال بعد، نواک به گنچیچ گفت که در واقع مادرش بود که آن روز کیف را بسته بود، اما پس از دیدن بازیکنان ویمبلدون که همین کار را می‌کردند، او به مادرش گفته بود که چه چیزی را در آن قرار دهد).

گنچیچ بلافاصله تحت تأثیر این نوجوان استثنایی قرار گرفت. او مربیان دیگر را از پتانسیل او آگاه کرد. به ویژه او متوجه دقت، تمرکز و مهارت‌های حرکتی عالی او شد. همان روز، گنچیچ به ملاقات والدین نواک در پیتزا فروشی رفت. او به آنها گفت: «شما یک فرزند نورچشمی دارید». او پیش‌بینی کرد که در او سن ۱۷ سالگی، در بین پنج بازیکن برتر جهان قرار خواهد گرفت. (همانطور که معلوم شد، او تنها چند سال اشتباه می‌کرد: نواک در ۳۰ ماه آوریل ۲۰۰۷ در سن ۱۹ سالگی جزو پنج نفر برتر جهان شد).

تماشای ویمبلدون در نوجوانی، تأثیر زیادی بر نواک داشت. در همان زمان اولین ملاقات او با گنچیچ بود که او برای اولین بار به اسطوره آمریکایی پیت سمپراس^۱

علاقمند شد. در مسابقات قهرمانی ویمبلدون سال ۱۹۹۳، سمپراس و رقیب آمریکایی او جیم کوریر^۱، در فینال انفرادی مردان رقابت می‌کردند. استیو فلینک^۲، نویسنده ورزشی، در کتاب خود "پیت سمپراس: تجدید عهد با عظمت^۳"، با نواک در مورد خاطراتش از آن مسابقه مصاحبه کرد. او گفت: «اولین تصویر ویدیویی از تنیس حرفه‌ای که دیدم این بود که پیت در سال ۱۹۹۳ در این فینال مقابل کوریر پیروز شد. من مبهوت مهارت‌ها و خونسردی او و در کل تماشای بازی او در مقدس‌ترین زمین ورزش شده بودم. من فقط عاشق همه چیز او شدم. وقتی آنقدر جوان هستید، به همه چیز ایمان دارید. شما از طریق رویاهای خود از پس مشکلات بر می‌آیید و رویاهای شما واقعیت شما هستند. مثلاً، آن لحظه‌ای که به نوعی به شما الهام می‌شود و می‌دانید که یک روز این شما هستید که آن جام را در دست خواهید داشت. من واقعاً آن روز با تماشای بازی پیت احساس کردم که نوعی نیرو و قدرت الهی به من القا شده است. من این اطلاعات را از بالا دریافت کردم. این فقط یکی از آن چیزهایی است که نمی‌توانید توضیح دهید. شما فقط آن را احساس می‌کنید و آن را در اعماق وجودتان می‌دانید».

نواک همیشه گفته است که در نوجوانی، سمپراس بزرگترین قهرمان او بود و تأثیر زیادی بر او داشت. در ضمن، تحت آموزش گنجیچ، مهارت‌های تنیس نواک به سرعت در حال پیشرفت بود. او به مقدار زیاد و سخت تمرین می‌کرد و می‌گوید که هرگز نیازی به تشویق والدین یا مربیانش نداشت. او از همان ابتدا یک شاگرد نمونه بود. گنجیچ به ویژه تحت تأثیر حرکات پای نواک قرار گرفت. تجربه او به عنوان یک اسکی باز جوان به این معنی بود که مچ پا و زانوهایش فوق‌العاده انعطاف‌پذیر بودند. این انعطاف‌پذیری که به زمین تنیس منتقل شد، به او اجازه می‌داد تا سریع و کارآمد حرکت کند. حتی در زمین‌های سخت، او می‌توانست حرکات عرضی انجام دهد؛ که به هیچ وجه یک تکنیک

^۱ Jim Courier

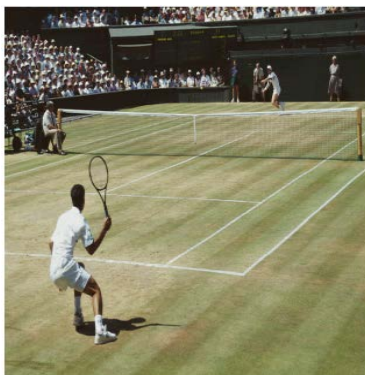
^۲ Steve Flink

^۳ Pete Sampras: Greatness Revisited

ساده نیست. نواک همچنین استقامت زیادی داشت و اغلب پس از رفتن بچه‌های دیگر به خانه، برای تمرین در آنجا می‌ماند. او با عطش یادگیری طبیعی خود، مرتباً گنجیچ را برای اطلاعات بیشتر در مورد تکنیک و تاکتیک تحت فشار قرار می‌داد.



نواک برای اولین بار در ۳۰ آوریل ۲۰۰۷، پس از پیروزی در مسابقه دور اول خود در مسابقات آزاد استوریل ۱، جزو ۵ نفر برتر شد.



تماشای شکست کوریر از سمپراس در ویمبلدون سال ۱۹۹۳، نواک را تشویق کرد تا تنیس را بسیار جدی بگیرد.



برای تضمین موفقیت حرفه‌ای او، نواک مورد توجه پدرش قرار گرفت.



رقابت دو نفره نواک و برادرش جورجی در مسابقات آزاد ۲۰۱۵ چین

با این حال، گنجیچ چیزهای بیشتری از تنیس به او آموخت. او در کتاب "سرویس برای پیروزی" می‌نویسد: «او در تربیت فکری من، با خانواده من شریک شد». او به طور مرتب موسیقی کلاسیک، ادبیات، شعر، هنر و حتی آداب معاشرت را به او آموزش می‌داد و او را تشویق می‌کرد که زبان‌های خارجی را یاد بگیرد – او اکنون می‌تواند با

اعتماد بنفس به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی صحبت کند. گنجیچ در دوران کودکی پیانو را در سطح مطلوبی آموخته بود و وظیفه خود می‌دانست که او را با آهنگسازان کلاسیکی مانند فردریک شوپن^۱، کلود دبوسی^۲ و ادوارد گریگ^۳ آشنا کند. او اغلب از او به عنوان "مادر تنیس" خود یاد می‌کند. او با مربیگری نواک از سن پنج تا دوازده سالگی، به وضوح تأثیر زیادی بر رشد شخصی و فکری او داشت و همیشه به فکر آینده او به عنوان یک تنیس باز حرفه‌ای و قهرمان جهان بود. او در کتاب "سرویس برای پیروزی" می‌نویسد: «من فنجان‌ها یا کاسه‌ها اشیاء پلاستیکی مختلف را به عنوان جام برمی‌داشتم، جلوی آینه می‌ایستادم و می‌گفتم: نوله قهرمان است! نوله شماره یک است!».

با نهایت تأسف، پدر نواک به ندرت مصاحبه می‌کند، زیرا وقتی در ملأ عام صحبت می‌کند، در بیان دیدگاه‌های اغلب جنجالی خود جسورانه عمل می‌کند. در سال ۲۰۱۶ او با مجله آمریکایی نیوزویک^۴ مصاحبه کرد: «او اولین فرزند ما بود. او با عشق زیادی مورد استقبال قرار گرفت، زیرا او اولین نوه و پسر بود. تفاوت بین ما و کشورهای غربی این است که وقتی بچه‌دار می‌شویم، می‌خواهیم تا آخر در زندگی او سهیم باشیم. به همین دلیل است که در صربستان و بالکان ما با فرزندانمان بسیار صمیمی هستیم و عشق خاص و بی‌قید و شرطی نسبت به یکدیگر داریم».

سرجان می‌گوید که نسبت به دو پسر دیگرش، مارکو و جوردجی، توجه بیشتری به نواک داشته است. «در تمام دوران کودکی نواک، او دوست‌داشتنی‌ترین بود. فقط نواک مهم بود. همه ما - حتی خانواده و مربیان او - بی‌اهمیت بودیم. همه چیز برای او ساخته شده بود تا به آنچه امروز به دست آورده است، برسد. متأسفانه برای بقیه خانواده،

^۱ Frédéric Chopin^۲ Claude Debussy^۳ Edvard Grieg^۴ Newsweek

مارکو و جورجی یک درصد از انگیزه، اراده و قدرتی را که به نواک دادم، ندادم. من به خاطر این ناراحت هستم، زیرا مارکو و جورجی می‌توانستند به موفقیت بزرگی دست یابند. مشکل این بود که نواک تمام انرژی من را گرفت. من دیگر چیزی نداشتم. من هیچ قدرتی نداشتم».

هر دو برادر کوچکتر نواک در مسابقات حرفه‌ای به رقابت پرداختند، اما در مقایسه با برادر بزرگتر خود، در سطح بسیار پایینی بودند. با توجه به اعتراف سرجان به حمایت بی‌رویه از نواک، این امکان وجود دارد که اگر آنها توسط پدرشان بیشتر تشویق می‌شدند، در رده‌بندی ATP بیشتر صعود می‌کردند. واقعیت این است که آنها بازیکنان معمولی بودند. برادر وسط، مارکو، از این ورزش لذت می‌برد و بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹ در مسابقات تنیس - اما بیشتر در تورنمنت‌های سطح پایین مانند چلنجر ۱ و فیوچرز ۲ - مسابقه داد و به رتبه ۵۷۱ در انفرادی و ۳۲۳ در دو نفره رسید. او در تنیس دو نفره، چند بار با نواک همکاری کرد. کوچکترین برادر، جورجی، نیز عمدتاً در چلنجر و فیوچرز شرکت می‌کرد، اما حرفه او کوتاه‌تر - از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ - بود. بالاترین رتبه او ۱۴۶۳ در انفرادی و ۵۵۹ در دو نفره بود.

آیا عاقلانه بود که سرجان تمام توجه خود را به فرزند اولش معطوف کند؟ هر دو برادر نواک دائماً از برادر بزرگشان حمایت می‌کنند. مطمئناً به نظر نمی‌رسد که کینه و نفرتی بین آنها وجود داشته باشد. سرجان ادعا می‌کند که مسیر آینده حرفه‌ای نواک از همان ابتدا ترسیم شده بود. او به نیوزویک گفت: «از شش سالگی، زمانی که برای اولین بار تمرین را شروع کرد، به هر جنبه‌ای از حرفه او توجه شده است. آنچه که او امروز، فردا، یک ماه یا یک سال دیگر روی آن کار می‌کند، آنچه او می‌خورد، می‌نوشد، وقتی به مدرسه می‌رود، در آزمون ریاضی چه نمره‌ای می‌گیرد و آرزوها و رویاهای برآورده نشده‌اش چیست. هر جنبه و هر چیز کوچکی در زندگی او کنترل شده است. چرا؟

^۱ Challengers

^۲ Futures

بسیاری از کودکان با استعداد در سراسر جهان به موفقیت نمی‌رسند، زیرا والدین آنها در مورد شغل، زندگی و رویاهای فرزند خود بسیار نامعقول هستند. آنها فکر می‌کنند که فرزندشان استعداد بزرگی است و سپس آنقدر به کودک فشار وارد می‌کنند که نمی‌تواند از پس آن برآید. وقتی که او بزرگ می‌شود و یاد می‌گیرد چگونه به روش خود زندگی کند، هرج و مرج در خانواده به وجود می‌آید، و با طلاق، همه خانواده نابود می‌شود».

گفتن اینکه والدین قهرمانان ورزشی چه فداکاری‌های بزرگی برای فرزندان خود انجام می‌دهند، چیزی شبیه به یک کلیشه است. اما این حرف تقریباً همیشه درست است. سرجان و دیانا نیز از این قاعده مستثنی نبودند. در اوایل زندگی، وضعیت مالی آنها اغلب ناامید کننده بود. آنها در رستوران و فروشگاه ورزشی مقدار کمی پول به دست می‌آوردند، اما تحریم‌های اعمال شده توسط غرب و بمباران‌ها، اقتصاد صربستان را نابود کرده بود. و با اینکه این فشار باعث رنجش و ناراحتی هر پدر و مادری می‌شود و هنگامی که بخواهید فرزند تنیس باز خود را به سمت بازی حرفه‌ای سوق دهید، صورتحساب‌ها سریع و دیوانه‌وار بالا می‌روند و این فشار بیشتر می‌شود. پدر و مادر نواک ساده‌لوح نبودند. آنها می‌دانستند که برای تهیه تمام هزینه‌های مربیگری و سفر، به پول خیلی زیادی نیاز دارند.

نواک در کتاب زندگینامه خود توضیح می‌دهد که چگونه حتی قبل از شروع حرفه در تنیس نوجوانان و در زمان جنگ، والدینش فقط برای تهیه غذا، پول قرض می‌کردند. او می‌نویسد: «پدرم از هر جا که می‌توانست پول قرض می‌کرد تا ما همان زندگی‌ای که همیشه می‌شناختیم، داشته باشیم. ما توسط مرگ احاطه شده بودیم، اما او نمی‌خواست ما این را بدانیم، او نمی‌خواست بدانیم چقدر فقیر هستیم». او شی را به یاد می‌آورد که پدرش یک اسکناس آلمانی - فقط یک اسکناس ۱۰ مارک آلمانی - را روی میز آشپزخانه گذاشت و به خانواده اعلام کرد که این تمام پولی است که آنها دارند.



در حالی که نواک در حال ساختن حرفه خود بود، دیانا و سرجان جوکوویچ برای تأمین مخارج خانواده خود سخت کار می‌کردند.

در اوج بمباران ناتو، خانواده‌های بلغرادی خوش‌شانس بودند که در هر روز، چند ساعتی برق دریافت می‌کردند. نواک به خاطر دارد که چگونه مادرش غذای خود را تا وقتی که برق داشتند، می‌پخت، زیرا می‌دانست که این اتصال برق زیاد طول نمی‌کشد. او می‌نویسد: «حداقل سوپ و ساندویچ برای خوردن داشتیم». با افزایش هزینه‌های تنیس نواک، شرایط حتی سخت‌تر از قبل شد. سرجان در مصاحبه‌ای با یک ایستگاه تلویزیونی صربستان در سال ۲۰۱۰ توضیح داد که چقدر زندگی آنها دشوار بوده است. او می‌گوید که او و همسرش روزها ۱۵ ساعت کار می‌کردند و حتی جواهرات خانوادگی را فروختند. گاهی پولی برای غذا نبود. آنها مجبور شدند که از نزول‌خواران با نرخ بهره ماهیانه تا ۱۵ درصد، پول قرض بگیرند. حتی چندین بار که سرجان نتوانسته بود قرض خود را به موقع پرداخت کند، با چاقویی زیر گلویش تهدید شده بود.

علی‌رغم این سختی‌ها و مشکلات، حرفه نواک به زودی رونق گرفت. اما همانطور که در مورد بسیاری از قهرمانان بزرگسال آینده اتفاق می‌افتد، این دقیقاً آن چیزی نبود که بتوان آن را یک رکورد درخشان نامید. او دو بار عنوان قهرمانی نوجوانان مسابقات

فدراسیون جهانی تنیس ۱ (ITF) در سال ۲۰۰۲ را به دست آورد. بهترین لحظه او احتمالاً رسیدن به نیمه نهایی مسابقات آزاد استرالیا در سال ۲۰۰۴ بود که پس از آن در رده بندی جهانی، رتبه ۲۴ را به دست آورد. در این زمان، او مسابقات سطح پایین تر تور بزرگسالان را به بازی گرفته بود.

مانند بسیاری از پدران بازیکنان تنیس، سرجان به دنبال حمایت مالی برای پسر با استعداد خود بود. او بارها گلایه کرده است که علیرغم استعداد آشکار نواک، فدراسیون تنیس صربستان هیچ کمک مالی به آنها نکرده است. او در مصاحبه با نیوزویک گفت: «با وجود اینکه نواک در حال تبدیل شدن به بازیکن بزرگی بود، هیچکسی به ما کمک نکرد. من مجبور بودم همه این کارها را خودم انجام دهم. به مدت ده سال، من هرگز از او جدا نبودم. ما همیشه با هم بودیم. هر جا که می رفتیم، بقیه تیم - فیزیوتراپ و مربی - داشتند، به جز ما. به بقیه توجه می شد، به جز ما. من مادر، پدر، مربی، فیزیوتراپ و همه چیز نواک بودم».

شانس و اقبال به شکل دو مدیر برنامه ورزشی اسرائیلی - آمیت نائور^۱ و آلن خاکشوری^۲ - به در خانه آنها آمد. آمیت در دهه ۱۹۸۰ یک بازیکن حرفه ای بود، در حالی که آلن تا آن زمان چندین رویداد تنیس ATP را برگزار کرده بود. در سال ۲۰۰۳، زمانی که نواک ۱۶ ساله بود، آنها قراردادی را با سرجان امضا کردند که توسط برخی رسانه ها، ارزش آن ۲۵۰۰۰۰ یورو در سال گزارش شد. این مبلغ به این معنی بود که نگرانی های مالی خانواده جوکوویچ به پایان رسیده بود.

در آن لحظه، نواک مزه تنیس حرفه ای را چشیده بود. اولین مسابقه او در بزرگسالی در یک تورنمنت فیوچرز در مونیخ در ژانویه ۲۰۰۳ بود که در آن از یک بازیکن آلمانی

^۱ International Tennis Federation

^۲ Amit Naor

^۳ Allon Khakshour

با رتبه بالای ۶۰۰ به نام الکس رادولسکو^۱ شکست خورد. شروع شرم‌آور ممکن بود، اما شکوه دیری نپایید. در ژوئن همان سال، او اولین تورنمنت فیوچرز خود را در صربستان برنده شد. دو سال بعد، او برای اولین بار در مسابقات انتخابی گرنده اسلم مسابقات آزاد ۲۰۰۵ استرالیا شرکت کرد. در جولای سال ۲۰۰۵ او به جمع ۱۰۰ نفر برتر جهان رسید. در سال ۲۰۰۶ و در هلند، او اولین عنوان قهرمانی خود را در مسابقات پایانی تور تنیس مردان (ATP) کسب کرد. نواک دیگر هرگز فقیر نبود.



نواک در حال جشن گرفتن اولین عنوان قهرمانی خود در مسابقات پایانی تور تنیس مردان (ATP) پس از شکست نیکولاس ماسو^۲ در فینال مسابقات آزاد ۲۰۰۶ هلند.

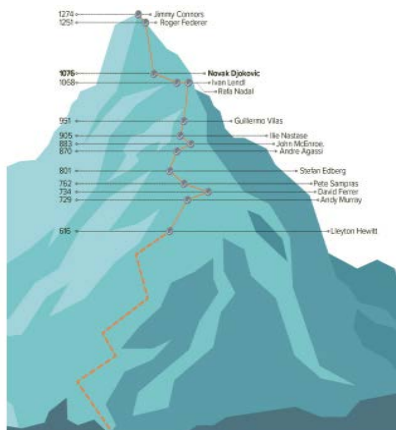
رکوردداران تعداد بازی همراه با برد

جوکوویچ از نظر بردهای تمام دوران در تور ATP بسیار نزدیک به قله است.^۳

^۱ Alex Rădulescu

^۲ Nicolas Massu

^۳ بعد از مسابقات آزاد آمریکا ۲۰۲۳



مسابقه فینال تنیس آزاد هلند

۲۳ جولای ۲۰۰۶

Amersfoortse Lawn Tennisclub, Amersfoort, Netherlands

بازی فینال: نواک جو کوویچ، نیکولاس ماسو را با نتیجه ۶-۷ و ۶-۴ شکست داد.

در سال ۲۰۰۶، نواک یکی از نوجوانان شگفت‌انگیزی بود که در تور ATP چشم همه را خیره کرده بود. او پیش از این و در تابستان آن سال، به مرحله یک چهارم نهایی رولند گاروس ۱ و دور چهارم ویمبلدون رسیده بود و در رتبه ۳۶ جهان قرار داشت. همه اینها باعث شده بود که او در مسابقات آزاد هلند در شهر آمستردام ۲ در سید سوم قرار بگیرد. این جوان ۱۹ ساله که تشنه نشان دادن خود بود، هیچ فرصتی را هدر نداد. در واقع، او در تمام هفته یک ست را هم از دست نداد. در نیمه‌نهایی، مسابقه حتی تمام نشد، زیرا حریف آرژانتینی او - گیلرمو کوریا ۳ - پس از تنها ۹ دور به دلیل مصدومیت گردن، بازی را ادامه نداد.

¹ Roland Garros² Amersfoort³ Guillermo Coria

زمانی که نواک در بازی فینال مقابل بازیکن شیلیایی نیکولاس ماسو رسید با رتبه ۳۷ جهان قرار گرفت، بازی چشمگیر و قدرتمندی از خود به نمایش گذاشت. در آن روزها او لباس آدیداس^۱ می پوشید و از راکت‌های ویلسون^۲ استفاده می‌کرد. او که مطمئن به نظر می‌رسید، اولین سرویس را زد و با برتری ۴-۱ پیش افتاد. با این حال، ماسو آرامش خود را حفظ کرد و با چند سرویس قوی توانست امتیازات را به تساوی بکشاند. ست اول مساوی شد و در نهایت نواک با اختلاف کم ۷-۵ پیروز شد. در ست دوم، ماسو در ابتدا کنترل را به دست گرفت. اما نواک به زودی به بازی بازگشت. پس از پیروزی در چهار راند متوالی، او ست دوم و کل بازی را پس از دو ساعت و ۱۹ دقیقه به پایان رساند و اولین عنوان قهرمانی خود در تور ATP را به دست آورد. مربی او ماریان وایدا^۳ و دوست دختر (همسر کنونی) او، یلنا ریستیچ^۴، در کنار زمین تشویق می‌کردند. این پیروزی باعث شد تا او هشت پله در رده بندی جهانی صعود کند و برای اولین بار به ۳۰ نفر برتر جهان راه یابد.

چندین سال بعد، ماسو اولین عنوان قهرمانی نواک را به خوبی به یاد می‌آورد. این بازیکن شیلیایی گفت که این نوجوان، او را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. او گفت: «جوکوویچ در سن آن خودنمایی می‌کرد. قدرت او به اندازه قدرت راجر فدرر^۵ و به سرعت در حال رشد بود. او به عنوان یک رقیب قوی مقابل من ایستاد. ما قبلاً تمرین کرده بودیم، اما در این مسابقه پتانسیل او قابل توجه بود. با خودم گفتم که او مطمئناً در آینده جزو پنج نفر برتر خواهد بود. او همه چیز داشت: بازی و ذهنیت برنده. در بسیاری از لحظات حساس، او تمرکز خود را حفظ کرد و اجازه نداد من برنده شوم».

^۱ Adidas

^۲ Wilson

^۳ Marian Vajda

^۴ Jelena Ristić

^۵ Roger Federer

جالب اینجاست که وقتی مسابقات آزاد هلند به پایان رسید، یک هفته خالی در تقویم ATP وجود داشت. یک شرکت صربی به نام Family Sport امتیاز این هفته را خریداری کرد و اولین رویداد ATP صربستان را راه اندازی کرد، یک تورنمنت زمین خاکی در بلغراد به نام مسابقات آزاد صربستان ۱. و اگر حدس زدید چه کسی در آن زمان Family Sport را اداره می کرد؟ بله! خانواده جو کوویچ. عموی نواک، گوران، مدیر اصلی مسابقات بود.



در ۱۹ سالگی، نواک به دنبال کسب اولین عنوان قهرمانی در مسابقات ATP بود.



سرویس نواک به طرف ماسو در مسابقات آزاد هلند

نیکولاس ماسو: «او به عنوان یک رقیب قوی مقابل من ایستاد. ما قبلاً تمرین کرده بودیم، اما در این مسابقه پتانسیل او قابل توجه بود. با خودم گفتم که او مطمئناً در آینده جزو پنج نفر برتر خواهد بود».

فصل دوم

نواک صربستانی

صربستان برای نواک چه ارزشی دارد و نواک برای صربستان چه معنایی دارد؟ این دو چیز - یکی یک سوپرستار معروف ورزشی در سطح جهانی، و دیگری یک کشور کوچک محصور در خشکی در جنوب شرقی اروپا - به شدت از هم جدایی‌ناپذیرند، گاهی اوقات به روش‌های نسبتاً پیچیده. سیاست بالکان هرگز صریح و قابل درک نیست و باید از نواک تمجید کرد که در این منطقه، عمدتاً بسیار دیپلماتیک (نه به مانند پدرش سرجان) رفتار کرده است. هرگز چنین مشکلاتی برای راجر فدرر سوئیسی یا رافائل نادال^۱ اسپانیایی وجود نداشت.

هدف این کتاب بررسی عمیق سیاست صربستان نیست. با این حال، اگر بخواهیم نواک را هم به عنوان انسان و هم بازیکن درک کنیم، نگاهی اجمالی به پیشینه کشور مادری نواک ضروری است.

نواک تمام و کمال صربستانی است. او در پایتخت صربستان، بلگراد، از دو پدر و مادری که آنها نیز در صربستان به دنیا آمده بودند، به دنیا آمد. به گفته کریس باورز^۲، نویسنده کتاب "نواک جوکوویچ: بیوگرافی"^۳، پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری نواک از

^۱ Rafael Nadal

^۲ Chris Bowers

^۳ Novak Djokovic: The Biography

صرب‌های اقلیتی اهل مونته‌نگرو^۱ هستند، در حالی که پدربزرگ و مادربزرگ مادری او که هر دو افسران ارتش یوگسلاوی^۲ قبل از فروپاشی یوگسلاوی بودند، اصالتاً اهل بخش شرقی کرواسی^۳ و در نزدیکی مرز صربستان بودند. در واقع، نام خانوادگی او Djokovic نوشته می‌شود. در شکل غربی آن، هجاها حذف می‌شوند و یک J بعد از D اضافه می‌شود تا املاى Djokovic ایجاد شود که اکنون همه ما به خوبی آن را می‌شناسیم.

در میان کشورهای مختلف تجزیه شده از یوگسلاوی سابق، میراث قومی و ملی آنها، هم پیچیده و هم مایه غرور است، به ویژه پس از جنگ‌های یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰. نواک نیز از این قاعده مستثنی نیست. او همیشه به زادگاهش صربستان ابراز عشق و میهن‌پرستی کرده است. غیرمنطقی نیست که اگر بگوییم شهروندانی که برای هویت ملی خود احساس خطر می‌کنند، اغلب میهن‌پرست‌تر - حتی ملی‌گراتر - از شهروندان کشورهای دارای ثبات سیاسی هستند. بنابراین در نظر داشته باشید که با اینکه میراث قومی و اقلیتی صرب‌ها به مهاجرت اسلاوها در قرن ششم قبل از میلاد برمی‌گردد، آنها به عنوان یک کشور، تنها سه بار مستقل بوده‌اند: یک بار در قرون وسطی، بار دوم از ۱۸۷۸ تا پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸ و بار سوم از سال ۲۰۰۶ تا به امروز.

پس جای تعجب نیست که نواک توسط هموطنانش به عنوان یک هموطن برجسته و نماد غرور ملی مورد ستایش قرار می‌گیرد و تقریباً پرستش می‌شود. برای درک نواک و جایگاه او در جهان، این واقعیت را نمی‌توان دست کم گرفت: در حال حاضر او مشهورترین فرد صربستان است، حتی از رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر این کشور. با

^۱ Montenegro^۲ Yugoslavia^۳ Croatia

اینکه قدیس حامی صرب‌ها ساوا^۱ است، اما نواک به او پول خوبی اهدا می‌کند. ساشا اوزمو^۲ یک روزنامه‌نگار ورزشی در کانال تلویزیونی بالکان و وبسایت Klub Sport است و پیشرفت نواک در زمین تنیس را در طول این سال‌ها با دقت مشاهده کرده است. «من می‌گویم که او بسیار میهن پرست است. او به هیچ وجه ناسیونالیست نیست، اما بله، میهن پرست است. در اوایل زندگی حرفه‌ای خود، او حتی در صحنه بین‌المللی ملی‌گرا بود. او همیشه می‌گوید که یکی از لحظات مورد علاقه دوران حرفه‌ای‌اش پس از قهرمانی در ویمبلدون سال ۲۰۱۱ بود که در آن ۱۰۰۰۰۰ نفر در یکی از میادین اصلی شهر بلغراد جمع شدند». اوزمو همچنین به پیروزی صربستان در فینال جام دیویس در سال ۲۰۱۰ و نحوه لذت بردن نواک از نقش خود در آن قهرمانی اشاره می‌کند.



صدهزار صرب در بلغراد گرد هم آمدند تا قهرمانی نواک در ویمبلدون در سال ۲۰۱۱ را جشن بگیرند که نشان از محبوبیت بسیار زیاد او در کشورش بود.

^۱ Sava

^۲ Saša Ozmo